



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Guardian

ایران و پیشنهاد کنسرسیوم هسته‌ای

ایران ایده کنسرسیومی برای غنی‌سازی مطرح کرده است. این کنسرسیوم متشکل از کشورهای خاورمیانه‌ای خواهد بود؛ شامل ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی. این ایده تلاشی است برای عبور از مخالفت ایالات متحده با ادامه برنامه غنی‌سازی ایران. این پیشنهاد به عنوان راهی دیده می‌شود، برای تثبیت حمایت دولت‌های حاشیه خلیج [فارس] از این که به ایران اجازه داده شود، ظرفیت‌های غنی‌سازی خود را حفظ کند. تهران این پیشنهاد را امتیازی می‌بیند که به طرف مقابل می‌دهد؛ از این رو که برای دولت‌های همسایه، دسترسی به دانش و فناوری فراهم می‌کند و آن‌ها را در این فرایند، صاحب سهم می‌کند. معلوم نیست عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، این پیشنهاد را در گفت‌وگوهای روز یکشنبه با ایالات متحده در عمان مطرح کرده یا نه، گفت‌وگوهایی نسبتاً خلاصه که سه ساعت به طول انجامید؛ اما طبق گزارش‌ها این پیشنهاد در تهران مطرح است. بعد از این گفت‌وگوها عراقچی به دویبی سفر کرد و آن‌ها با شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان، وزیر خارجه امارات متحده عربی دیدار کرد. امارات در حال حاضر برای برنامه هسته‌ای خودش غنی‌سازی نمی‌کند. این کنسرسیوم بر اساس تأسیسات ایران بنا خواهد شد و سطح غنی‌سازی به ۳/۶۷ درصد باز خواهد گشت، یعنی همان سطحی که در توافق اصلی ۲۰۱۵، بین تهران و شش قدرت جهانی مشخص شد و دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸، یک‌جانبه آن را پایان داد. ایالات متحده خواستار این شده که ایران به غنی‌سازی پایان دهد و تمام تأسیسات هسته‌ای‌اش را برچیند؛ اما در میانه اختلافات در واشنگتن، ترامپ تصمیم نهایی را در این باره نگرفته و جدیت ایران در این گفت‌وگوها را تحسین کرده است. ایده کنسرسیوم ابتدا از سوی سیدحسین موسویان، مذاکره‌کننده هسته‌ای سابق ایران و فرانک ون هپبل، فیزیکدان دانشگاه پرینستون، مدت‌ها پیش از گفت‌وگوهای فعلی تهران و واشنگتن مطرح شد، در مقاله پر خواننده‌ای در بولتن دانشمندان اتمی در اکتبر ۲۰۲۳. در این کنسرسیوم، عربستان و امارات سهامدار و تأمین‌کننده مالی خواهند بود و فناوری ایران دسترسی خواهند یافت. مشارکت دولت‌های حاشیه خلیج [فارس] به عنوان تضمینی مضاعف دیده خواهد شد، برای اینکه برنامه هسته‌ای ایران برای اهدافی تماماً غیرنظامی است و بر خلاف ادعای اسرائیل، راهی به سوی ساخت بمب نیست. اگر به عربستان و امارات اجازه داده شود، به ایران مهندس بفرستند، این امکان ایجاد خواهد شد که شیوه دیگری برای شفافیت در برنامه ایران وجود داشته باشد و به این ترتیب، جامعه جهانی ناچار نخواهد بود صرفاً به کار بازرسان هسته‌ای سازمان ملل در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اتکا کند. ایران به تدریج از میزان غنی‌سازی و ذخیره‌ای که در توافق اصلی ۲۰۱۵ تعیین شده بود، فاصله گرفت و ترامپ را بابت خروج از توافق هسته‌ای مقصر این وضعیت خواند. مجید تخت‌روان چی، معاون وزیر خارجه ایران در این باره گفت: «می‌توانیم برای بازه زمانی محدودی، محدودیت‌هایی را روی سطح و حجم غنی‌سازی بپذیریم.» ایالات متحده در ابتدا چنین اظهار نمود که لازم است در فاصله دو ماه از شروع گفت‌وگوها به توافقی با ایران برسد، اما در شرایطی که جزئیات فنی برای هر گونه توافق، پیچیده‌تر می‌شوند، ممکن است اجازه داده شود گفت‌وگوها در تابستان هم ادامه پیدا کنند. ایران در حال حاضر غنی‌سازی را تا ۶۰ درصد خلوص انجام می‌دهد. این بسیار بیشتر از محدودیت ۳/۶۷ درصدی است که در توافق اصلی ۲۰۱۵ تعیین شده بود. این سطح غنی‌سازی فاصله کوتاهی با سطح ۹۰ درصدی دارد که برای استفاده تسلیحاتی لازم است. مارکو رویبو، وزیر خارجه ایالات متحده گفته است این سطح از غنی‌سازی بسیار بیشتر از چیزی است که برای استفاده غیرنظامی لازم است.

صحبت‌های وزیر خارجه عمان هم شاید ارجاعی به پیشنهاد ایران برای تشکیل کنسرسیوم باشد. بدر البوسعدی پس از دور چهارم مذاکرات به «ایده‌های مفید و جدیدی» اشاره کرد که «بازتاب میل مشترک به حصول توافقی شرافتمندانه» هستند. امارات نیروگاهی هسته‌ای و غیرنظامی به نام «برکت» دارد که در غرب ابوظبی است. این اولین نیروگاه هسته‌ای در کشورهای عربی است که کاملاً فعال شده است و هر چهار راکتورش هم‌اکنون روی خط هستند. این نیروگاه بپاست ظرفیت تولید یک چهارم برق مورد نیاز امارات را داشته باشد.

آیا گفت‌وگوهای ترامپ و ایران به نتیجه می‌رسد

فرصت توافق، اندک اما جدی

اقتصادی و دیپلماتیک، هزینه‌های فراینده‌ای دارد. مقامات ایران رفع تحریم‌ها را برای معکوس کردن روند فروپاشی آهسته اقتصادی و مهار خطر ناآرامی اجتماعی، اساسی می‌بینند.

ایرانی‌ها ترامپ را به عنوان بازیگری متخاصم می‌بینند اما برخی میل او به «پیروزی» دیپلماتیک وی میلی‌اش به شروع جنگ جدید را فرصتی می‌بینند که فرصت نفس کشیدن بیابند، بدون اینکه امتیازات عمده‌ای داده باشند. گرچه ایران مستقیماً حوثی‌ها را کنترل نمی‌کند، اخیراً به آن‌ها این فشار را آورد که با آتش‌سوزی موافقت کنند و این مربوط به یکی از دغدغه‌های کلیدی ایالات متحده بود: حمایت ایران از نیابتی‌های منطقه‌ای. این کار فضای گفت‌وگوهای هسته‌ای را بهتر کرد.

مانع اصلی حلالا ظرفیت‌های غنی‌سازی ایران است. ایران پیشنهاد وزیر خارجه مارکو رویبو را رد کرده است. پیشنهاد او این بود که ایران برای برنامه هسته‌ای غیرنظامی‌اش به اورانیوم وارداتی تکیه کند؛ به جای اینکه خودش داخل کشور غنی‌سازی کند. جمهوری اسلامی، غنی‌سازی را به عنوان حقی غیرقابل مذاکره در چارچوب حاکمیت مستقل می‌بیند؛ با این حال، همچنین پذیرای توافقی محدودتر هست که برای غنی‌سازی سقف تعیین خواهد کرد، تحقیق و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را تضمین خواهد کرد و تضمین‌های معتبری ارائه خواهد داد مبنی بر اینکه سلاح هسته‌ای نمی‌سازد.

موضع‌گیری‌های اخیر کاخ سفید هم نشان می‌دهد، ایالات متحده انعطاف‌پذیری بیشتری نشان داده است. چهارم مه، ترامپ گفت هدف اصلی او ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است و نه حذف ظرفیت هسته‌ای غیرنظامی. هفتم مه، معاون اول جی‌دی ونس تکرار کرد که ایران «می‌تواند قدرت هسته‌ای غیرنظامی داشته باشد» اما به برنامه غنی‌سازی که او را به ظرفیت تسلیحاتی نزدیک کند. این تمایز، بین استفاده غیرنظامی تحت

هم ناپدید خواهد کرد و ایران را بر آن خواهد داشت که از معاهده منع گسترش، ان پی تی، خارج شود و خطر درگیری نظامی را بالا ببرد. ترامپ توافقی جامع می‌خواهد که در محدود کردن غنی‌سازی، محدود کردن توسعه موشکی و تغییر رفتار منطقه‌ای ایران فراتر از برجام برود؛ اما این خیال‌پردازی است. ایران با عقب‌گرد کامل برنامه هسته‌ای‌اش موافقت نخواهد کرد، چه برسد به برچیدن اتحاد‌های منطقه‌ای‌اش، آن هم فقط در چند هفته پیش رو. غنی‌سازی یا ظرفیت‌های موشکی با استتیک را هم که در موضع بازاندگی‌اش مرکزیت دارند، رها نخواهد کرد.

با این حال، حتی در این فضای محدود، مسیری دیپلماتیک همچنان باز است. هر دو طرف انگیزه‌هایی دارند که توافقی محدودتر را بپذیرند تا از رویارویی نظامی اجتناب کنند. ترامپ، با همه سر و صدای «آتش و خشم» که دارد، تمایلی ندارد جنگ جدیدی شروع کند. برکناری اخیر مایک ولتر، مشاور امنیت ملی‌اش که از ایران ستیزان بود، در این زمینه گویا بود؛ همین طور این که در ۶ مه آتش‌سوزی‌های حوثی در یمن را اعلام کرد.

ترامپ نتیجه‌ی حاصل از مذاکره را ترجیح می‌دهد. متحدانش در حاشیه خلیج [فارس] هم همین طور. باور هم دارد که فرصت بهتر از این برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای هرگز فراهم نبوده؛ آن هم حالاً که ایران چنین قابل توجه تضعیف شده است. تلاش‌های دولت او برای میانجیگری و رسیدن به آتش‌سوزی بین روسیه و اوکراین به تقلا افتاده‌اند و در چنین شرایطی، پرونده ایران، بهترین و شاید تنها فرصت او را برای موفقیت دیپلماتیکی عمده پیش از پایان سال به او می‌دهد.

ایران در ابتدا تعامل رسمی را رد کرد اما در نهایت با گفت‌وگوهای غیرمستقیم از طریق عمان موافقت کرد و این نشان داد، اگر پیشرفتی صورت گیرد، تمایل به پیگیری مذاکره مستقیم هم هست. این تغییر، بازتاب‌پذیرش این نکته از سوی ایران است که ادامه انرژی

یان برمر

رئیس گروه مشاوره سیاسی اوراسیا



مذاکره‌کنندگان ایالات متحده و ایران برای چهارمین دور گفت‌وگوهای هسته‌ای جمع شدند. دو طرف همچنان در مسائل بنیادین فاصله زیادی دارند، انتظارات واگرایی دارند و فرستادن هم‌رو به اتمام است؛ اما برای اولین بار در طول چندین سال، دلیلی برای خوش‌بینی وجود دارد. آنچه این لحظه را متمایز می‌کند، همگرایی ناگهانی مواضع نیست، بلکه توجه هر دو طرف به این نکته است که دیپلماسی نسبت به تقابل ارجح است.

ایران اصرار دارد که برنامه هسته‌ای‌اش مطلقاً فقط برای اهداف غیرنظامی است و تازه‌ترین ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده چنین نتیجه گرفته که این کشور الان در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست؛ با این حال، فعالیت‌های ایران در زمینه غنی‌سازی از سال ۲۰۱۸، زمانی که دونالد ترامپ ایالات متحده را از برنامه جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ یا همان برجام خارج کرد، بسیار گسترش یافته است. امروز ایران در آستانه تبدیل شدن به دولتی هسته‌ای است و به اندازه کافی اورانیوم غنی شده ۶۰ درصد دارد که بتواند شش سلاح هسته‌ای بسازد، اگر تا سطح ۹۰ درصد غنی‌شان کند. توانایی این را هم دارد که در حدود ۶ ماه «با سرعت به سمت بمب حرکت کند»، گرچه تبدیل ابزار به سلاح احتمالاً بین یک تا دو سال زمان خواهد برد.

برای بسیاری در غرب، این وضعیت غیرقابل قبول است. بدون پیشرفت دیپلماتیک تا پایان ماه ژوئن [اوایل تیر]، ایالات متحده ناچار خواهد بود «سازوکار ماشه» تحریم‌های سازمان ملل متحد را کلید بزند؛ اما چنین کاری همانی را که از مسیر دیپلماتیک باقی مانده

Project Syndicate



عکس: Getty Images

را حفظ کند یا نه. معاون اول رئیس‌جمهور، جی‌دی ونس هم در نشست در اروپا، به همین شکل لحن مبهمی داشت.

این پیام‌های متناقض، باعث شده‌اند، عدم اطمینان نسبت به اهداف واقعی واشنگتن بیشتر شود و سوالاتی در این باره پیش بیاید که آیا اصلاً واشنگتن به دنبال نتیجه‌ای شدنی برای دیپلماسی هست یا دارد خودش را برای تقابل آماده می‌کند.

در همین حال، پیش از گفت‌وگوهای یک‌شنبه، عباس عراقچی وزیر خارجه ایران تأکید کرد که غنی‌سازی اورانیوم خط قرمز ملی است. او به خون دانشمندان ایرانی به‌عنوان هزینه‌ای که برای این حق پرداخت شده اشاره کرد و هشدار داد پیام‌های متناقض از سوی واشنگتن، یعنی یک موضع در اتاق مذاکره و موضعی دیگر در فضای عمومی، اعتماد را تضعیف می‌کنند.

پوه‌شناسی‌های منطقه‌ای هم مسیر پیش رو را پیچیده‌تر می‌کنند. فشار ترامپ برای کسب نتیجه در مذاکرات، روزه‌روز بیشتر

وضعیت گفت‌وگوها بعد از دور چهارم

ابهام راهبرد، مخل توافق

دانستند و فقدان هدف نهایی مشخص.

فقط دو روز پیش از گفت‌وگوها، استیو ویتکاف، نماینده ایالات متحده، مصاحبه‌ای با بریتبارت داشت. در این مصاحبه به نظر می‌آمد که او «غنی‌سازی صفر» را به عنوان خط قرمز دولت معرفی می‌کند و خواستار برچیدن تأسیسات اصلی هسته‌ای ایران است. این موضع حداکثری در تضاد با مواضع حساب‌شده‌تر رئیس‌جمهور ترامپ قرار می‌گرفت، مثل نمونه‌های اخیر که در آن ترامپ گفته بود ایالات متحده «هنوز تصمیم نگرفته» ایران می‌تواند برنامه هسته‌ای غیرنظامی‌اش

سینا طوسی

کارشناس اندیشکده «مرکز سیاست بین‌الملل»



دور چهارم گفت‌وگوهای هسته‌ای بین ایران و ایالات متحده، بعد از وقفه یک‌هفته‌ای، یک‌شنبه در مسقط عمان به پایان رسید. بسیاری از ناظران، تعویق گفت‌وگوها را نتیجه رویکرد متناقض دولت ترامپ